



شبهه استناددهی: حاجی، زینب، هاشمیان فر، سید علی، و حقیقتیان، منصور. (۱۴۰۵). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری شهرکرد با تأکید بر استفاده از رسانه‌های جمعی. آموزش، تربیت و توسعه پایدار، ۴(۴)، ۱۵-۱.



© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری شهرکرد با تأکید بر استفاده از رسانه‌های جمعی

زینب حاجی^۱، سید علی هاشمیان فر^{۲*}، منصور حقیقتیان^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ایران

۳. گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: seyedalihashemianfar@yahoo.com

چکیده

هدف این پژوهش بررسی نقش عوامل اجتماعی، به‌ویژه استفاده از رسانه‌های جمعی، در تبیین هراس از تعرض در میان زنان ساکن محیط‌های شهری شهرکرد است. پژوهش حاضر از نظر ماهیت کاربردی، از نظر روش توصیفی-پیمایشی و از نظر زمانی مقطعی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان ۱۸ سال و بالاتر شهر شهرکرد (۱۱۸٬۵۷۳ نفر) بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر به‌عنوان نمونه و به روش نمونه‌گیری دو مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته بود که روایی آن از طریق روایی محتوایی و پایایی آن با آلفای کرونباخ (بیش از ۰/۷ برای همه سازه‌ها) تأیید شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS و با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM) تحلیل شدند. نتایج مدل ساختاری نشان داد استفاده از رسانه‌های جمعی اثر مثبت و معناداری بر هراس از تعرض دارد ($\beta=0.222$ ، $p<0.01$). در مقابل، سرمایه فرهنگی ($\beta=-0.128$)، اعتماد اجتماعی ($\beta=-0.531$)، احساس عدالت اجتماعی ($\beta=-0.309$) و کیفیت زندگی ($\beta=-0.247$) اثر منفی و معناداری بر هراس از تعرض داشتند ($p<0.05$). رابطه مشارکت اجتماعی و مدنی با هراس از تعرض معنادار نبود. متغیرهای مستقل در مجموع ۷۵/۷ درصد واریانس هراس از تعرض را تبیین کردند ($R^2=0.757$) که نشان‌دهنده قدرت تبیینی بالای مدل است. یافته‌ها نشان می‌دهد رسانه‌های جمعی مهم‌ترین عامل تشدیدکننده و اعتماد اجتماعی قوی‌ترین عامل کاهش‌دهنده هراس از تعرض در زنان شهرکردی است و بهبود سرمایه فرهنگی، احساس عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای امنیت روانی زنان در محیط‌های شهری ایفا کند.

کلیدواژه‌گان: هراس از تعرض؛ رسانه‌های جمعی؛ اعتماد اجتماعی؛ سرمایه فرهنگی؛ عدالت اجتماعی؛ کیفیت زندگی

تاریخ ارسال: ۱ مهر ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۴ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۲ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۳۰ تیر ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ اسفند ۱۴۰۵



How to cite: Haji, Z., Hashemianfar, S. A., & Haghighatian, M. (2026). Investigating Social Factors Related to Fear of Assault among Women in Urban Environments of Shahrekord with Emphasis on the Use of Mass Media. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(4), 1-15.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Investigating Social Factors Related to Fear of Assault among Women in Urban Environments of Shahrekord with Emphasis on the Use of Mass Media

Zeynab Haji¹, Seyed Ali Hashemianfar^{2*}, Mansour Haghighatian³

1. PhD Student, Department of Sociology, Deh.C., Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

2. Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Humanities, University of Isfahan, Iran

3. Department of Sociology, Deh.C., Islamic Azad University, Dehaghan, Iran

*Corresponding Author's Email: seyedalhashemianfar@yahoo.com

Abstract

This study aims to examine the role of social factors, particularly mass media use, in explaining fear of assault among women living in the urban environments of Shahrekord. This applied study employed a descriptive-survey and cross-sectional design. The statistical population included all women aged 18 years and older in Shahrekord (N = 118,572). Using Cochran's formula, a sample of 384 participants was selected through a two-stage sampling method. Data were collected using a researcher-developed questionnaire, whose content validity was confirmed by experts and whose reliability was verified using Cronbach's alpha coefficients exceeding 0.70 for all constructs. Data analysis was conducted using SPSS and SmartPLS software through Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM). Structural model results indicated that mass media use had a positive and significant effect on fear of assault ($\beta = 0.222$, $p < 0.01$). In contrast, cultural capital ($\beta = -0.128$), social trust ($\beta = -0.531$), perceived social justice ($\beta = -0.309$), and quality of life ($\beta = -0.247$) had significant negative effects on fear of assault ($p < 0.05$). The relationship between social and civic participation and fear of assault was not statistically significant. Overall, the independent variables explained 75.7% of the variance in fear of assault ($R^2 = 0.757$), indicating strong explanatory power. The findings suggest that mass media act as the primary amplifying factor of fear of assault, while social trust serves as the strongest protective factor, and enhancing cultural capital, social justice, and quality of life can substantially improve women's perceived safety in urban environments.

Keywords: *Fear of assault; Mass media; Social trust; Cultural capital; Social justice; Quality of life*

Submit Date: 23 September 2025

Revise Date: 24 January 2026

Accept Date: 01 February 2026

Initial Publish: 21 July 2026

Final Publish: 20 February 2027

احساس امنیت و در نقطه مقابل آن، هراس از تعرض، یکی از بنیادی‌ترین مؤلفه‌های کیفیت زندگی در جوامع شهری معاصر محسوب می‌شود و به‌ویژه برای زنان، نه تنها یک تجربه ذهنی، بلکه واقعیتی ساختاری و روزمره است که الگوهای حضور، حرکت، مشارکت و تعامل آنان با فضاهای عمومی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که زنان در شهرها، حتی در شرایطی که نرخ واقعی وقوع جرم پایین است، سطح بالاتری از ترس از جرم و به‌ویژه هراس از تعرض را تجربه می‌کنند؛ ترسی که ریشه‌های آن صرفاً در تجربه مستقیم بزه‌دیدگی خلاصه نمی‌شود، بلکه در شبکه‌ای پیچیده از عوامل اجتماعی، فرهنگی، رسانه‌ای و ساختاری شکل می‌گیرد (Contreras-Merino et al., 2024; González Moreno et al., 2022). این هراس پیامدهایی فراتر از اضطراب فردی دارد و می‌تواند به کناره‌گیری اجتماعی، محدودشدن تحرک شهری، کاهش مشارکت مدنی و در نهایت بازتولید نابرابری جنسیتی در فضاهای شهری منجر شود (Arabi & Atashi, 2022; Ranjbar Hamghavandi et al., 2022).

در ادبیات بین‌المللی، هراس از تعرض زنان به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی تحلیل شده است که در آن، متغیرهای محیطی (مانند طراحی فضا، نورپردازی و نظارت)، متغیرهای اجتماعی (اعتماد اجتماعی، سرمایه اجتماعی و مشارکت)، و متغیرهای فرهنگی و رسانه‌ای به‌طور هم‌زمان ایفای نقش می‌کنند (Fung et al., 2023; Hale et al., 2023). یافته‌های پژوهش‌های تطبیقی در اروپا نشان می‌دهد که ترس از آزار و تعرض در فضاهای عمومی، تجربه‌ای «همگانی» در میان زنان است و صرف‌نظر از تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی، الگوهای مشابهی از اجتناب فضایی و محدودسازی کنش اجتماعی را ایجاد می‌کند (González Moreno et al., 2022). در این میان، رسانه‌ها و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازوکارهای بازنمایی خطر و ناامنی، نقش فزاینده‌ای در شکل‌دهی به ادراک زنان از میزان آسیب‌پذیری خود ایفا می‌کنند (González-Serrano et al., 2025).

پژوهش‌های جدید نشان می‌دهند که رسانه‌های جمعی، به‌طور هم‌زمان می‌توانند دو کارکرد متعارض داشته باشند: از یک‌سو با برجسته‌سازی اخبار خشونت، آزار خیابانی و تعرض جنسی، به بازتولید «فرهنگ ترس» دامن بزنند و از سوی دیگر، با ارائه اطلاعات آموزشی، ترویج مداخلات حمایتی و نمایش نقش فعال تماشاگران، به کاهش هراس و افزایش حس توانمندی زنان کمک کنند (Ong et al., 2023; Vázquez-González & Ferrer-Pérez, 2025). با این حال، شواهد تجربی نشان می‌دهد که در اغلب زمینه‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامعی که تنظیم محتوای رسانه‌ای ضعیف‌تر است، کارکرد اول غالب بوده و مصرف‌گسترده رسانه‌ها با افزایش ترس از جرم در میان زنان همراه است (Iran-Nejad & Mohammadi-Sadegh, 2023; Khajeh-Nouri & Kaveh, 2013).

در بستر ایران، مطالعات متعددی به بررسی احساس امنیت و هراس از جرم در میان زنان پرداخته‌اند و تقریباً همگی بر این نکته اتفاق نظر دارند که زنان نسبت به مردان، سطح بالاتری از ناامنی ادراک‌شده را تجربه می‌کنند (Abasi Esfajir & Jahani-Bahnemiri, 2020; Foroughzadeh & Shariati Mazinani, 2022). این وضعیت در فضاهای عمومی شهری، به‌ویژه در ساعات شبانه، فضاهای کم‌نور و محیط‌های فاقد نظارت اجتماعی تشدید می‌شود (Kiani Shahvandi & Parsamehr, 2016; Zeynali Aziz, 2024). افزون بر این، پژوهش‌های کیفی انجام‌شده در سکونتگاه‌های حاشیه‌ای نشان داده‌اند که تجربه زیسته زنان از ناامنی، با احساس بی‌عدالتی، فقدان حمایت نهادی و ضعف سرمایه اجتماعی گره خورده است (Safai-Nabat, 2023).

سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی از جمله متغیرهایی هستند که در ادبیات نظری، به‌عنوان عوامل محافظتی در برابر ترس از جرم معرفی می‌شوند. زنانی که از شبکه‌های حمایتی قوی‌تر، روابط همسایگی فعال‌تر و سطح بالاتری از اعتماد متقابل برخوردارند، حتی در شرایط عینی مشابه، هراس کمتری از تعرض تجربه می‌کنند (Ahmadi & Afshani, 2022; Noorpoor, 2021). در مقابل، فرسایش اعتماد اجتماعی و کاهش احساس عدالت رویه‌ای، می‌تواند به تشدید احساس آسیب‌پذیری و بی‌پناهی زنان در فضاهای شهری منجر شود (Azhari et al., 2022).

اجتماعی خطر است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که هراس از تعرض، بیش از آنکه صرفاً بازتاب خطر واقعی باشد، محصول تفسیر اجتماعی خطر است. (2023; Azhari et al., 2024).

در سال‌های اخیر، توجه پژوهشگران به نقش ساختارهای کلان‌تر اجتماعی و فرهنگی در بازتولید ناامنی زنان افزایش یافته است. مرورهای نظام‌مند نشان داده‌اند که خشونت خانگی، تبعیض جنسیتی ساختاری و هنجارهای پدرسالارانه، نه تنها به‌طور مستقیم بر سلامت و امنیت زنان اثر می‌گذارند، بلکه به‌صورت غیرمستقیم، هراس از تعرض در فضاهای عمومی را نیز تشدید می‌کنند (Harman et al., 2021; Manzouri et al., 2025). از این منظر، ترس زنان از تعرض را باید در پیوند میان تجربه‌های خصوصی و عمومی ناامنی تحلیل کرد.

مطالعات تطبیقی انجام‌شده در زمینه‌های فرهنگی متفاوت نیز این پیوند را تأیید می‌کنند. پژوهش‌های انجام‌شده در اسپانیا و استرالیا نشان می‌دهد که حتی زنانی که هرگز قربانی مستقیم تعرض نبوده‌اند، از طریق روایت‌های رسانه‌ای، تجربه‌های دیگران و سکوت نهادی در مواجهه با آزار، سطح بالایی از ترس را درونی می‌کنند (Contreras-Merino et al., 2024; Rodríguez-García et al., 2024; Sato & Howard-Payne, 2024). در این چارچوب، افشای آزار و جنبش‌های اجتماعی مانند MeToo، در کنار آثار توانمندساز، در برخی موارد با افزایش حساسیت و اضطراب نیز همراه بوده‌اند.

در کنار متغیرهای اجتماعی و رسانه‌ای، کیفیت زندگی و احساس امنیت شغلی و جسمی نیز در شکل‌گیری هراس از تعرض نقش دارند. پژوهش‌هایی که به امنیت زنان در محیط‌های کاری و حمل‌ونقل عمومی پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که ناامنی ساختاری در یک حوزه از زندگی، می‌تواند به تعمیم ترس به سایر فضاهای شهری منجر شود (Araya et al., 2022; Ishengoma, 2024). به همین ترتیب، مطالعات سلامت محور نشان داده‌اند که احساس امنیت، یکی از پیش‌شرط‌های اساسی سلامت روان و رفاه زنان است (Fahlbeck et al., 2022).

با وجود غنای نسبی ادبیات داخلی و خارجی، هنوز شکاف‌های پژوهشی مهمی وجود دارد. نخست آنکه بسیاری از مطالعات ایرانی، یا صرفاً بر عوامل کالبدی و محیطی تمرکز کرده‌اند یا نقش رسانه‌ها را به‌صورت محدود و توصیفی بررسی نموده‌اند (Foroughzadeh & Shariati, 2022; Mazinani, 2022; Zeynali Aziz, 2024). دوم آنکه بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها به کلان‌شهرها اختصاص دارد و شهرهای متوسط، با ساختار اجتماعی متفاوت، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (Abasi Esfajir & Jahani-Bahnemiri, 2020; Arabi & Atashi, 2022). سوم آنکه اغلب مطالعات، متغیرهای اجتماعی را به‌صورت منفرد تحلیل کرده و کمتر به ارائه مدلی یکپارچه از روابط میان رسانه‌های جمعی، سرمایه فرهنگی، اعتماد اجتماعی، عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی پرداخته‌اند (Azhari et al., 2024; Ranjbar & Hamghavandi et al., 2022).

شهر شهرکرد، به‌عنوان یکی از شهرهای متوسط ایران با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی خاص، نمونه‌ای مناسب برای بررسی این روابط پیچیده است. افزایش نفوذ رسانه‌های دیجیتال، تغییر الگوهای مصرف خبری، و هم‌زمان تداوم برخی ساختارهای سنتی اجتماعی، این شهر را به بستری مهم برای تحلیل نقش رسانه‌ها و عوامل اجتماعی در شکل‌گیری هراس از تعرض زنان تبدیل کرده است. در چنین زمینه‌ای، بررسی تجربی و مدل‌محور این پدیده می‌تواند هم به غنای نظری ادبیات امنیت شهری زنان کمک کند و هم مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر شواهد فراهم آورد.

بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر هراس از تعرض در میان زنان ساکن محیط‌های شهری شهرکرد با تأکید ویژه بر نقش استفاده از رسانه‌های جمعی است.

این تحقیق، توصیفی-پیمایشی با ماهیت کاربردی و از لحاظ زمانی مقطعی می‌باشد. در این تحقیق روش پیمایشی جهت گردآوری اطلاعات استفاده شده است، لذا آن را می‌توان در زمره تحقیق‌های میدانی قرار داد. جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه زنان ۱۸ سال به بالای شهر شهرکرد می‌باشد که بر اساس آخرین آمار نفوس و مسکن تعداد آنها ۱۱۸۵۷۲ نفر می‌باشد. روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و فیش برداری می‌باشد. این تحقیق به صورت نمونه‌گیری انجام می‌شود که حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر مشخص گردید. روش نمونه‌گیری، نمونه‌گیری دو مرحله‌ای می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت خواهد گرفت و با توجه به سطح اندازه‌گیری داده‌ها و توزیع داده‌ها از آزمون‌های آماری مناسب استفاده می‌شود.

یافته‌ها

پژوهش حاضر بر روی داده‌های جمع‌آوری شده از ۳۸۴ خانم بالای ۱۸ سال شهر شهرکرد انجام شد. آمار توصیفی سازه‌های اصلی پژوهش، که بر اساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (از ۱ = کاملاً مخالفم تا ۵ = کاملاً موافقم) اندازه‌گیری شده‌اند، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی سازه‌ها

متغیرهای مورد مطالعه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
هراس از تعرض	۳.۶۵۷۸	۰.۷۳۵۶	۰.۵۴۱۱
رسانه‌های جمعی	۳.۷۵۴۳	۰.۷۷۶۸	۰.۶۰۳۲
اعتماد اجتماعی	۳.۷۲۲۳	۰.۸۳۴۵	۰.۶۹۶۰
سرمایه فرهنگی	۳.۲۴۷۶	۰.۴۷۹۸	۰.۲۳۰۲
احساس عدالت اجتماعی	۲.۹۰۷۸	۰.۶۴۵۶	۰.۴۱۶۸
کیفیت زندگی	۲.۸۱۲۳	۰.۶۷۴۳	۰.۴۵۴۷
مشارکت اجتماعی و مدنی	۳.۲۲۴۵	۰.۵۸۷۶	۰.۳۴۵۳

میانگین‌های به‌دست‌آمده نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالای رسانه‌های جمعی (۳.۷۵) و اعتماد اجتماعی (۳.۷۲) در میان پاسخ‌دهندگان است. انحراف معیارهای پایین (کمتر از ۰.۸) حاکی از همگرایی نسبی نظرات پاسخ‌دهندگان است. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف توزیع نزدیک به نرمال داده‌ها را تأیید کرد و امکان استفاده از روش PLS-SEM را فراهم نمود.

جدول ۲: نتایج روایی و پایایی مدل اندازه‌گیری

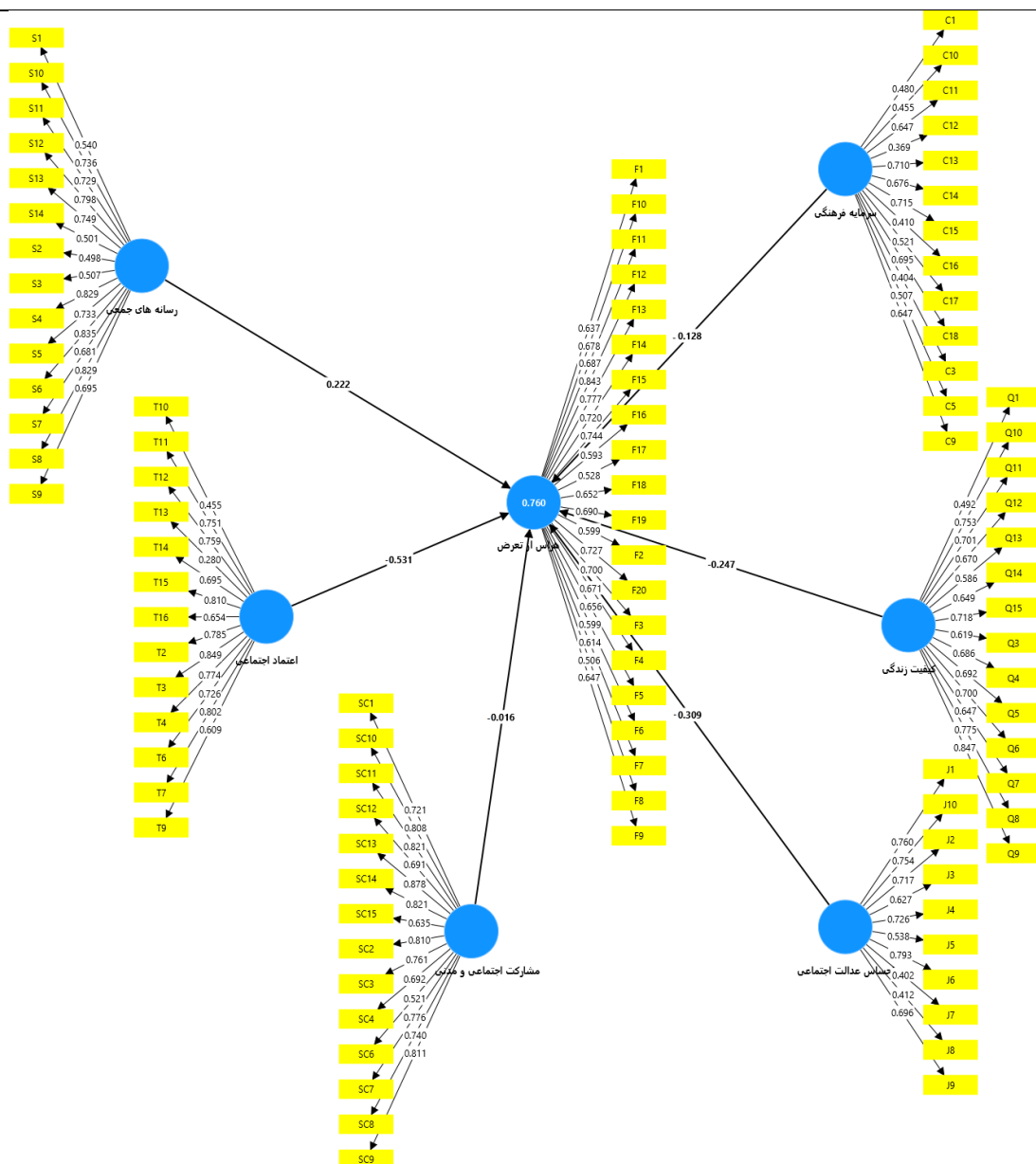
متغیرهای تحقیق	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (rho_a)	پایایی ترکیبی (rho_c)	روایی همگرا (AVE)
احساس عدالت اجتماعی	۰.۸۴۶	۰.۸۷۳	۰.۸۷۹	۰.۵۴۱
اعتماد اجتماعی	۰.۹۰۹	۰.۹۲۶	۰.۹۲۵	۰.۵۲۶
رسانه‌های جمعی	۰.۹۴۲	۰.۹۵۰	۰.۹۴۸	۰.۵۶۱
سرمایه فرهنگی	۰.۸۰۵	۰.۸۲۱	۰.۸۴۸	۰.۵۰۴
مشارکت اجتماعی و مدنی	۰.۹۴۰	۰.۹۴۵	۰.۹۴۸	۰.۵۶۹
هراس از تعرض	۰.۹۳۴	۰.۹۴۰	۰.۹۴۱	۰.۵۴۶
کیفیت زندگی	۰.۹۱۲	۰.۹۲۴	۰.۹۲۵	۰.۵۰۷

تمام سازه‌ها پایایی عالی نشان دادند؛ مقادیر آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (rho_c, rho_a) همگی بالاتر از آستانه پیشنهادی ۰.۷ (و عمدتاً بالای ۰.۹) بودند که بیانگر ثبات داخلی بالای گویه‌ها است. روایی همگرا نیز با AVE بالای ۰.۵ برای همه سازه‌ها تأیید گردید. هم‌خطی

نشانگرها با مقادیر VIF کمتر از ۵ بررسی و تأیید شد. روایی واگرا از طریق معیار Fornell-Larcker (جدول ۳) برقرار بود، زیرا ریشه مربع AVE هر سازه از همبستگی آن با سایر سازه‌ها بیشتر بود.

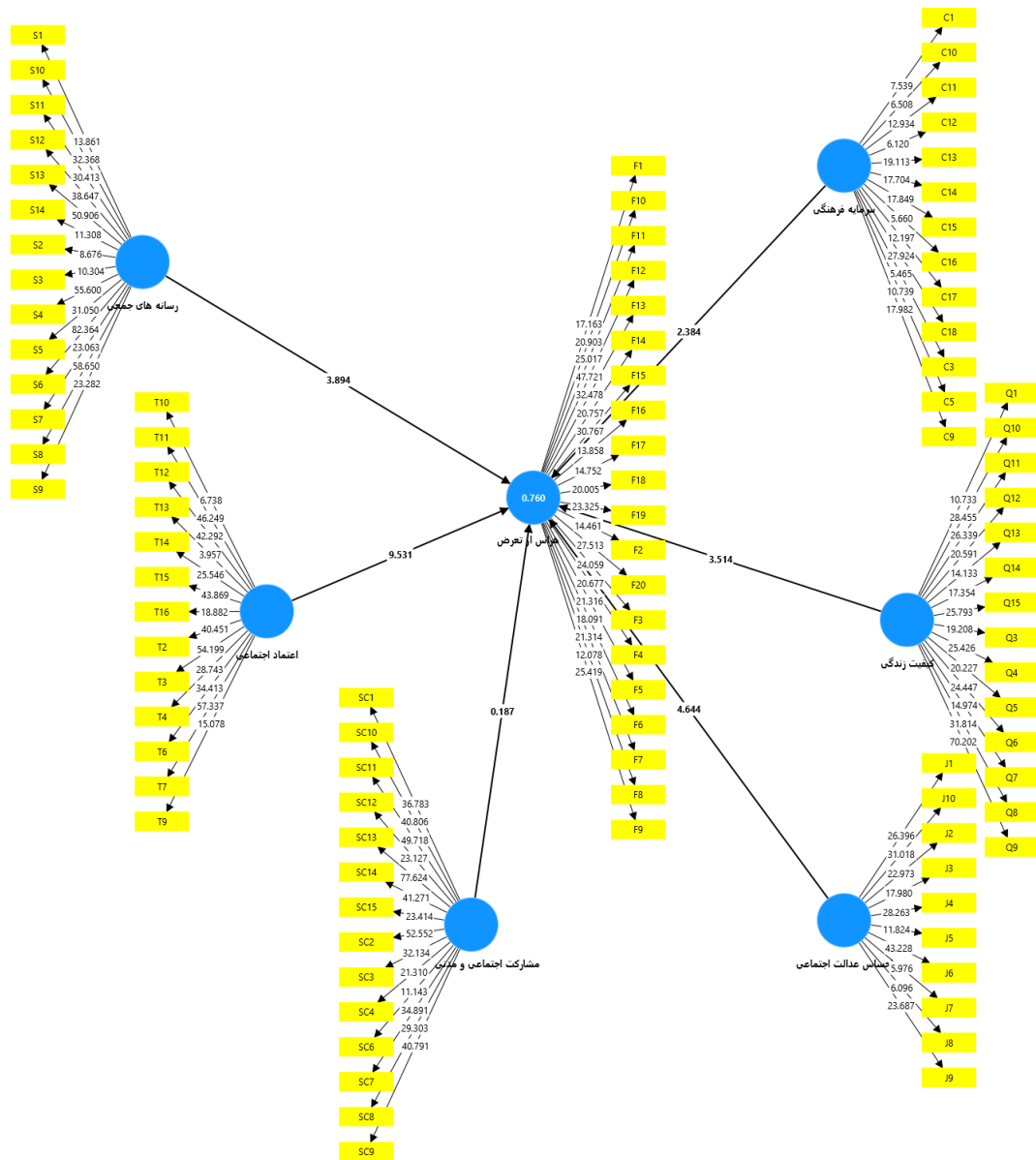
جدول ۳: معیار Fornell-Larcker

متغیرهای تحقیق	احساس اجتماعی	عدالت اجتماعی	اعتماد اجتماعی	رسانه‌های جمعی	سرمايه فرهنگی	مشارکت اجتماعی و مدنی	هراس از تعرض	کیفیت زندگی
احساس عدالت اجتماعی	۰.۷۴۵							
اعتماد اجتماعی	۰.۷۲۳		۰.۸۲۵					
رسانه‌های جمعی	۰.۷۲۷		۰.۷۵۳	۰.۸۴۹				
سرمايه فرهنگی	۰.۶۴۵		۰.۵۶۴	۰.۶۲۵	۰.۷۹۰			
مشارکت اجتماعی و مدنی	۰.۷۰۸		۰.۷۱۴	۰.۷۶۷	۰.۶۵۳	۰.۸۵۵		
هراس از تعرض	۰.۶۸۵		۰.۷۲۲	۰.۸۱۷	۰.۵۷۸	۰.۷۸۵	۰.۷۳۹	
کیفیت زندگی	۰.۷۲۵	۰.۷۷۸	۰.۷۷۸	۰.۷۸۸	۰.۷۵۷	۰.۸۲۱	۰.۶۹۵	۰.۷۱۲



شکل ۱. مدل با بارهای عاملی

بارهای عاملی مدل اندازه‌گیری نشان‌دهنده بارهای عاملی بالای ۰.۴ برای تمام گویه‌ها است که پایایی نشانگرها را به طور قاطع تأیید می‌کند.



شکل ۲. سطح معناداری مدل‌سازی معادلات ساختاری

شکل ۲ سطح معناداری مدل ساختاری تمام مسیرها را معنادار نشان می‌دهد که حاکی از تأیید معناداری مدل می‌باشد.

مدل ساختاری برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از بوت‌استرپینگ (۵۰۰ نمونه) ارزیابی شد. ضرایب مسیر، آماره‌های t و اندازه اثر در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج مدل ساختاری

فرضیه‌های تحقیق	بارهای عاملی	انحراف معیار	آماره t	مقدار P	نتیجه
رسانه‌های جمعی -> هراس از تعرض	۰.۲۲۲	۰.۰۸۰	۳.۸۹۴	۰.۰۰۱	پذیرش
سرمایه فرهنگی -> هراس از تعرض	-۰.۱۲۸	۰.۰۴۷	۲.۳۸۴	۰.۰۱۷	پذیرش
اعتماد اجتماعی -> هراس از تعرض	-۰.۵۳۱	۰.۰۶۴	۹.۵۳۱	۰.۰۰۱	پذیرش
مشارکت اجتماعی و مدنی -> هراس از تعرض	-۰.۰۱۶	۰.۰۸۸	۰.۱۸۷	۰.۸۵۲	رد
احساس عدالت اجتماعی -> هراس از تعرض	-۰.۳۰۹	۰.۰۷۳	۴.۶۴۴	۰.۰۰۱	پذیرش
کیفیت زندگی -> هراس از تعرض	-۰.۲۴۷	۰.۰۷۰	۳.۵۱۴	۰.۰۰۱	پذیرش

تمام مسیرها مثبت و در سطح معناداری بالا ($p < 0.001$) بودند:

همانطور که از مقادیر آماره t و مقدار p -جدول گویا است، فرضیات مربوط به مقادیر آماره t بزرگتر از ۱.۹۶ و مقادیر p -value کوچکتر از ۰.۰۵، مورد قبول واقع می‌شود ولی برای فرضیه‌هایی که آماره t کوچکتر از ۱.۹۶ و مقادیر p -value بزرگتر از ۰.۰۵ است از نظر آماری رد می‌شود.

استفاده از رسانه‌های جمعی بر هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری تأثیر معنی داری دارد.

فرضیه این است که استفاده از رسانه‌های جمعی تأثیر معناداری بر هراس از تعرض در بین زنان دارد. تحلیل آماری نشان می‌دهد که مقدار آماره t بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است. بنابراین، فرضیه تأیید می‌گردد. این نتیجه نشان می‌دهد که مصرف رسانه‌های جمعی به طور معناداری بر افزایش یا کاهش هراس از تعرض در بین زنان تأثیرگذار است.

سرمایه فرهنگی بر هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری تأثیر معنی داری دارد.

فرضیه بیان می‌کند که سرمایه فرهنگی می‌تواند بر هراس از تعرض تأثیر داشته باشد. با توجه به اینکه مقدار آماره t بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است، این فرضیه تأیید می‌شود. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی نقش معناداری در کاهش یا افزایش این نوع هراس دارد.

اعتماد اجتماعی بر هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری تأثیر معنی داری دارد.

در این فرضیه آمده است که اعتماد اجتماعی می‌تواند بر هراس از تعرض تأثیرگذار باشد. تحلیل نشان می‌دهد که آماره t بالاتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است، بنابراین فرضیه پذیرفته می‌شود. این موضوع بیانگر ارتباط مثبت و معنادار بین اعتماد اجتماعی و میزان هراس از تعرض است.

مشارکت اجتماعی و مدنی بر هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری تأثیر معنی داری دارد.

فرضیه بیان می‌کند که مشارکت اجتماعی و مدنی می‌تواند تأثیر معناداری بر هراس از تعرض داشته باشد. با توجه به اینکه آماره t کمتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری بیشتر از ۰.۰۵ است، این فرضیه رد می‌گردد. بنابراین، مشارکت اجتماعی و مدنی تأثیر قابل توجهی بر این مسئله ندارد.

احساس عدالت اجتماعی بر هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری تأثیر معنی داری دارد.

فرضیه این است که احساس عدالت اجتماعی می‌تواند بر هراس از تعرض تأثیر داشته باشد. نتایج نشان می‌دهد که آماره t بیشتر از ۱.۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است، لذا این فرضیه تأیید می‌شود. احساس عدالت اجتماعی نقش مؤثری در کاهش هراس از تعرض ایفا می‌کند.

کیفیت زندگی بر هراس از تعرض در بین زنان در محیط‌های شهری تأثیر معنی داری دارد.

این فرضیه به بررسی ارتباط بین کیفیت زندگی و هراس از تعرض می‌پردازد. مقدار آماره t بیش از ۱.۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰.۰۵ است، بنابراین فرضیه تأیید می‌شود. این نتیجه نشان می‌دهد که بهبود کیفیت زندگی می‌تواند به کاهش هراس از تعرض کمک کند.

مدل توضیح‌دهندگی بسیار بالایی داشت: $R^2 = 0.757$ (تعدیل شده ۰.۷۵۳) برای هراس از تعرض، که نشان‌دهنده توضیح ۷۵.۵ درصد واریانس این سازه توسط متغیرهای مستقل است.

پیش‌بینی‌پذیری مدل با مقادیر $Q^2 > 0$ (جدول ۵) تأیید شد که قدرت پیش‌بینی مدل را نشان می‌دهد.

جدول ۵: پیش‌بینی‌پذیری مدل (Blindfolding)

متغیرهای تحقیق	SSO	SSE	$Q^2 (= 1 - SSE/SSO)$
احساس عدالت اجتماعی	۳۸۴۰.۰۰۰	۲۶۰۶.۳۲۶	۰.۳۲۱
اعتماد اجتماعی	۴۹۹۲.۰۰۰	۲۸۸۳.۳۶۲	۰.۴۲۲
رسانه‌های جمعی	۸۴۴۸.۰۰۰	۴۹۶۲.۵۹۹	۰.۴۱۳
سرمایه فرهنگی	۴۶۰۸.۰۰۰	۳۶۰۷.۸۰۸	۰.۲۱۷
مشارکت اجتماعی و مدنی	۵۳۷۶.۰۰۰	۲۷۳۳.۱۷۶	۰.۴۹۲
هراس از تعرض	۷۶۸۰.۰۰۰	۴۶۴۸.۹۹۶	۰.۳۹۵
کیفیت زندگی	۵۳۷۶.۰۰۰	۳۲۶۲.۸۸۲	۰.۳۹۳

شاخص‌های برازش مدل در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: شاخص‌های برازش مدل

شاخص	مدل اشباع	مدل تخمینی
SRMR	۰.۰۶۵	۰.۰۶۵
d_ULS	۱.۹۷۴	۱.۹۷۴
d_G	۱.۳۴۷	۱.۳۴۷
Chi-square	۲۳۱۷.۳۲۶	۲۳۱۷.۳۲۶
NFI	۰.۷۲۶	۰.۷۲۶

مقدار $SRMR = ۰.۰۶۵$ نشان‌دهنده برازش بسیار خوب مدل است. سایر شاخص‌ها نیز برازش قابل قبول مدل را تأیید می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که هراس از تعرض در میان زنان ساکن محیط‌های شهری شهرکرد پدیده‌ای چندبعدی و به‌شدت متأثر از متغیرهای اجتماعی و رسانه‌ای است. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که استفاده از رسانه‌های جمعی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تشدیدکننده هراس از تعرض عمل می‌کند، در حالی که اعتماد اجتماعی قوی‌ترین عامل کاهنده این هراس است. همچنین سرمایه فرهنگی، احساس عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی اثرات منفی و معناداری بر هراس از تعرض داشتند، اما مشارکت اجتماعی و مدنی تأثیر معناداری نشان نداد. این الگوی نتایج، تصویری منسجم از سازوکارهای ادراک ناامنی زنان در یک شهر متوسط ایرانی ارائه می‌دهد و از نظر نظری و کاربردی قابل توجه است.

نخستین و برجسته‌ترین یافته پژوهش، اثر مثبت و معنادار استفاده از رسانه‌های جمعی بر هراس از تعرض بود. این نتیجه نشان می‌دهد هرچه زنان بیشتر در معرض اخبار، تصاویر و روایت‌های رسانه‌ای مرتبط با آزار، تعرض و خشونت علیه زنان قرار می‌گیرند، سطح ترس ادراک‌شده آن‌ها از حضور در فضاهای شهری افزایش می‌یابد. این یافته با مطالعات داخلی و خارجی همخوانی کامل دارد که رسانه‌ها را به‌عنوان عامل تقویت‌کننده «ترس اجتماعی» معرفی کرده‌اند (González-Serrano et al., 2025; Iran-Nejad & Mohammadi-Sadegh, 2023; Khajeh-Nouri & Kaveh, 2013). پژوهش‌های تطبیقی نشان داده‌اند که حتی در جوامعی با نرخ واقعی پایین جرم، مصرف گسترده رسانه‌های اجتماعی می‌تواند منجر به برآورد اغراق‌آمیز خطر و احساس آسیب‌پذیری دائمی شود (González Moreno et al., 2022). از منظر نظری، این نتیجه با چارچوب‌های برجسته‌سازی و چارچوب‌بندی رسانه‌ای همخوان است که بر نقش رسانه در تعیین اولویت‌های ذهنی مخاطبان و تفسیر آنان از واقعیت اجتماعی تأکید دارند.

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های انجام‌شده در اسپانیا و سایر کشورهای اروپایی نشان داده‌اند که تمرکز رسانه‌ها بر آزار خیابانی و خشونت جنسیتی، به‌ویژه در قالب روایت‌های احساسی، به افزایش اضطراب، اجتناب فضایی و کاهش مشارکت زنان در فضاهای عمومی منجر می‌شود (Contreras-Merino et al., 2024; González Moreno et al., 2022). با این حال، برخی مطالعات تأکید می‌کنند که رسانه‌ها در صورت ارائه محتوای آموزشی و ترویج مداخله فعال تماشاگران، می‌توانند نقش بازدارنده و توانمندساز نیز ایفا کنند (Vázquez-González & Ferrer-Pérez, 2025). یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که در بافت شهرکرد، کارکرد ترس‌آفرین رسانه‌ها بر کارکرد توانمندساز آن‌ها غلبه دارد؛ موضوعی که ضرورت مداخله سیاستی در حوزه سواد رسانه‌ای و تنظیم محتوای خبری را برجسته می‌سازد.

دومین یافته مهم پژوهش، رابطه منفی و بسیار قوی اعتماد اجتماعی با هراس از تعرض بود. این نتیجه بیانگر آن است که زنانی که از سطح بالاتری از اعتماد به اطرافیان، همسایگان و شبکه‌های غیررسمی اجتماعی برخوردارند، حتی در شرایط عینی مشابه، هراس کمتری را تجربه می‌کنند. این یافته با پژوهش‌های داخلی که اعتماد اجتماعی را یکی از مهم‌ترین منابع احساس امنیت زنان معرفی کرده‌اند، همسو است (Ahmadi & Afshani, 2022; Azhari et al., 2023; Noorpoor, 2021). در سطح بین‌المللی نیز مطالعات نشان داده‌اند که پیوندهای اجتماعی قوی می‌توانند اثر عوامل محیطی ناامن را تعدیل کرده و احساس حمایت و کنترل را در زنان تقویت کنند (Fung et al., 2023). در شهرکرد، که ساختارهای خویشاوندی و روابط چهره‌به‌چهره هنوز نقش پررنگی دارند، این عامل به‌عنوان مهم‌ترین سپر روانی در برابر هراس از تعرض عمل می‌کند.

سرمایه فرهنگی نیز اثر منفی و معناداری بر هراس از تعرض نشان داد. زنانی که از سطح تحصیلات بالاتر، آگاهی حقوقی بیشتر و دسترسی گسترده‌تر به منابع فرهنگی برخوردار بودند، ترس کمتری از تعرض گزارش کردند. این نتیجه با پژوهش‌هایی همخوان است که سرمایه فرهنگی را عامل افزایش توان تحلیل واقع‌بینانه خطر و کاهش واکنش‌های هیجانی می‌دانند (Azhari et al., 2024; Kiani Shahvandi & Parsamehr, 2016). مطالعات بین‌المللی نیز نشان داده‌اند که آگاهی، خودکارآمدی و دسترسی به اطلاعات معتبر می‌تواند رفتارهای اجتنابی افراطی را کاهش دهد (Ong et al., 2023). در این چارچوب، سرمایه فرهنگی نه‌تنها به‌عنوان منبع فردی، بلکه به‌عنوان سازوکار اجتماعی برای بازتفسیر خطر عمل می‌کند.

یافته دیگر پژوهش، تأیید رابطه منفی و معنادار احساس عدالت اجتماعی با هراس از تعرض بود. زنانی که عملکرد نهادهای رسمی، به‌ویژه پلیس و نظام قضایی، را عادلانه‌تر ارزیابی می‌کردند، هراس کمتری از تعرض داشتند. این نتیجه با مطالعاتی که بر نقش عدالت رویه‌ای در شکل‌گیری احساس امنیت تأکید دارند، همسو است (Azhari et al., 2023; Safai-Nabat, 2023). پژوهش‌های تطبیقی نشان داده‌اند که ادراک تبعیض، سرزنش قربانی و بی‌تفاوتی نهادی، می‌تواند ترس زنان را حتی در غیاب تجربه مستقیم بزه‌دیدگی تشدید کند (Rodríguez-García et al., 2024; Sato & Howard-Payne, 2024). بنابراین، احساس عدالت اجتماعی به‌عنوان پیوند میان ساختارهای کلان حکمرانی و تجربه روزمره امنیت زنان قابل تفسیر است.

کیفیت زندگی نیز اثر منفی و معناداری بر هراس از تعرض داشت. این یافته نشان می‌دهد زنانی که از سلامت روانی، رفاه اقتصادی نسبی و دسترسی بهتر به خدمات شهری برخوردارند، ظرفیت بیشتری برای مدیریت اضطراب‌های محیطی دارند. این نتیجه با پژوهش‌هایی که امنیت را پیش‌شرط سلامت و رفاه زنان معرفی کرده‌اند، همخوان است (Fahlbeck et al., 2022; Foroughzadeh & Shariati Mazinani, 2022). همچنین مطالعات انجام‌شده در حوزه امنیت شغلی و محیط‌های کاری زنان نشان می‌دهد که ناامنی در یک حوزه از زندگی می‌تواند به تعمیم ترس به سایر فضاهای اجتماعی منجر شود (Harman et al., 2021; Ishengoma, 2024).

در مقابل، یافته قابل توجه پژوهش، عدم معناداری رابطه مشارکت اجتماعی و مدنی با هراس از تعرض بود. این نتیجه با برخی مطالعات خارجی که مشارکت اجتماعی را عامل کاهش ترس از جرم می‌دانند، ناهمسو است (Ueno et al., 2024). با این حال، پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که مشارکت زنان در بسیاری از شهرهای ایران، به‌ویژه شهرهای متوسط، اغلب محدود، غیررسمی و فاقد اثرگذاری واقعی بر مدیریت

فضاهای عمومی است (Abasi Esfajir & Jahani-Bahnemiri, 2020; Arabi & Atashi, 2022). از این رو، می‌توان استدلال کرد که مشارکت اجتماعی موجود، به دلیل موانع فرهنگی و ساختاری، هنوز به سطحی نرسیده است که بتواند احساس کنترل و امنیت را در زنان تقویت کند. این یافته، اهمیت توجه به زمینه‌های فرهنگی و ساختاری مشارکت زنان را برجسته می‌سازد.

در مجموع، نتایج این پژوهش با بدنه اصلی ادبیات داخلی و خارجی همخوانی دارد و نشان می‌دهد که هراس از تعرض زنان، حاصل برهم‌کنش پیچیده رسانه‌ها، منابع اجتماعی، ادراک عدالت و شرایط زیست‌جهان روزمره است (Araya et al., 2022; Ranjbar Hamghavandi et al., 2022). پژوهش حاضر با تمرکز بر یک شهر متوسط، به غنای ادبیات امنیت شهری زنان افزوده و نشان داده است که الگوهای استخراج‌شده از کلان‌شهرها لزوماً قابل تعمیم نیستند.

از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به مقطعی بودن طرح تحقیق اشاره کرد که امکان بررسی روابط علی در طول زمان را محدود می‌سازد. همچنین استفاده از ابزار خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی اجتماعی قرار گرفته باشد. تمرکز پژوهش بر شهر شهرکرد نیز تعمیم نتایج به سایر شهرها با بافت‌های فرهنگی متفاوت را با احتیاط همراه می‌کند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با رویکرد طولی، تغییرات هراس از تعرض را در گذر زمان بررسی کنند. همچنین انجام مطالعات کیفی عمیق می‌تواند به فهم بهتر تجربه زیسته زنان از نقش رسانه‌ها و اعتماد اجتماعی کمک کند. مقایسه میان شهرهای کوچک، متوسط و کلان‌شهرها نیز می‌تواند به شناسایی الگوهای بومی ناامنی زنان بینجامد.

ضروری است برنامه‌های آموزش سواد رسانه‌ای ویژه زنان طراحی و اجرا شود تا توان تفکیک محتوای واقعی از اغراق‌آمیز افزایش یابد. تقویت اعتماد اجتماعی از طریق توسعه فضاهای تعاملی محلی، بهبود پاسخ‌گویی نهادهای انتظامی و ارتقای کیفیت خدمات شهری می‌تواند به کاهش هراس از تعرض کمک کند. همچنین سیاست‌گذاران شهری باید با رویکردی جنسیت‌محور، کیفیت زندگی و احساس عدالت را در برنامه‌ریزی‌های شهری در اولویت قرار دهند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Fear of assault constitutes one of the most persistent and gendered forms of perceived insecurity in contemporary urban environments, shaping women's daily mobility patterns, social participation, and overall quality of life. Empirical evidence consistently shows that women experience significantly higher levels of fear in public spaces than men, regardless of actual crime rates, indicating that fear of assault is not merely a response to objective risk but a socially constructed phenomenon rooted in broader structural, cultural, and communicative processes (Contreras-Merino et al., 2024; González Moreno et al., 2022). Urban studies and feminist criminology emphasize that this fear operates as an invisible mechanism of spatial exclusion, restricting women's access to public space and reinforcing gendered inequalities within cities (Arabi & Atashi, 2022; Ranjbar Hamghavandi et al., 2022).

Among the multiple factors shaping women's fear of assault, mass media and social media have gained increasing attention as powerful agents in framing perceptions of insecurity. Research indicates that repetitive exposure to crime-related news, street harassment narratives, and emotionally charged visual content can amplify perceived vulnerability and normalize fear as a constant condition of urban life (Iran-Nejad & Mohammadi-Sadegh, 2023; Khajeh-Nouri & Kaveh, 2013). Comparative studies across Europe further demonstrate that social media platforms, by privileging sensational and viral content, often intensify fear beyond levels justified by real-world crime statistics (González-Serrano et al., 2025). At the same time, some scholars argue that media can play a protective and empowering role when they promote awareness, bystander intervention, and women's agency (Vázquez-González & Ferrer-Pérez, 2025). However, empirical findings suggest that fear-amplifying effects tend to outweigh empowering ones in many social contexts.

Beyond media exposure, social trust, cultural capital, perceived social justice, and quality of life have been identified as key determinants of women's perceived security. Studies in Iran show that women with stronger social networks, higher trust in others, and greater confidence in institutions report lower levels of fear, even in objectively similar environments (Ahmadi & Afshani, 2022; Noorpoor, 2021). Qualitative research further highlights that perceptions of injustice, victim-blaming, and institutional indifference significantly exacerbate fear, particularly among marginalized women (Safai-Nabat, 2023). International research confirms that women's fear of assault is deeply intertwined with structural gender inequality, occupational insecurity, and broader experiences of vulnerability (Harman et al., 2021; Ishengoma, 2024).

Despite the growing body of literature, notable research gaps remain. First, many Iranian studies focus on large metropolitan areas, while medium-sized cities with distinct social and cultural dynamics remain understudied (Abasi Esfajir & Jahani-Bahnemiri, 2020). Second, existing research often examines social, media, and structural factors in isolation rather than within an integrated explanatory model (Azhari et al., 2024). Third, limited attention has been paid to the relative explanatory power of these factors in shaping fear of assault among women. Addressing these gaps, the present study investigates social factors associated with fear of assault among women in the urban environments of Shahrekord, with particular emphasis on mass media use.

Methods and Materials

This study employed an applied, descriptive-survey, and cross-sectional research design. The statistical population consisted of all women aged 18 years and older residing in the city of Shahrekord. Based on population statistics, a sample size of 384 participants was determined using Cochran's formula and selected through a two-stage sampling procedure.

Data were collected using a researcher-developed questionnaire designed to measure fear of assault, mass media use, social trust, cultural capital, social and civic participation, perceived social justice, and quality of

life. Content validity was established through expert review, and reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficients exceeding the acceptable threshold for all constructs.

Data analysis was conducted using SPSS for descriptive statistics and SmartPLS for inferential analysis. Partial Least Squares Structural Equation Modeling (PLS-SEM) was applied to assess the measurement and structural models. Bootstrapping with 5,000 resamples was used to test the significance of path coefficients. Model fit, explanatory power, and predictive relevance were evaluated using standard PLS-SEM criteria.

Findings

Descriptive results indicated moderate to high levels of fear of assault and mass media consumption among respondents, alongside moderate levels of social trust, cultural capital, perceived social justice, and quality of life. The measurement model demonstrated strong internal consistency and convergent validity for all constructs.

Structural model analysis revealed that mass media use had a positive and statistically significant effect on fear of assault, indicating that increased exposure to mass media content was associated with higher levels of perceived insecurity among women. In contrast, social trust exhibited the strongest negative effect on fear of assault, highlighting its central role as a protective factor. Cultural capital, perceived social justice, and quality of life also showed significant negative relationships with fear of assault, suggesting that higher educational, cultural, institutional, and welfare resources are associated with reduced fear.

Social and civic participation did not have a statistically significant effect on fear of assault. The model demonstrated high explanatory power, accounting for approximately 76% of the variance in fear of assault. Predictive relevance indicators confirmed the model's strong predictive capability.

Discussion and Conclusion

The findings of this study underscore the multifaceted nature of women's fear of assault in urban environments and highlight the dominant role of mass media in shaping perceptions of insecurity. The positive association between media consumption and fear suggests that media narratives contribute to an inflated sense of vulnerability, even in contexts where objective risk may be relatively low. This reinforces the view that fear of assault is not solely driven by direct experience but is socially produced through communicative and symbolic processes.

The strong protective effect of social trust emphasizes the importance of informal social networks and interpersonal confidence in mitigating fear. Women who feel supported by their communities and trust others appear better equipped to interpret risk realistically and maintain a sense of control in public spaces. Similarly, the negative effects of cultural capital, perceived social justice, and quality of life on fear highlight the role of structural and institutional conditions in shaping emotional responses to urban environments.

The lack of a significant relationship between social and civic participation and fear of assault suggests that participation alone is insufficient to enhance women's sense of security unless it translates into tangible influence over public space and institutional responsiveness. This finding points to the need for gender-sensitive forms of participation that move beyond symbolic involvement.

Overall, this study contributes to the literature by offering an integrated explanatory model of fear of assault among women in a medium-sized Iranian city. The results indicate that reducing women's fear requires interventions that go beyond environmental design to address media practices, social trust, institutional justice, and broader quality-of-life conditions. By situating fear within a complex social framework, the study provides empirical evidence to support more holistic and gender-responsive urban safety policies.

References

- Abasi Esfajir, A. A., & Jahani-Bahnemiri, A. (2020). Examining the Sense of Security and Fear of Crime Among Young Women: A Case Study of Tonkabon City. *Studies of Women and Family*, 8(2), 45-68. <https://www.sid.ir/paper/414299/>
- Ahmadi, S., & Afshani, S. A. (2022). The Role of Social Capital in Promoting Social Health among Women in Yazd. *Quarterly Journal of Social-Psychological Studies of Women*, 19(1), 45-68. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_2992_4b5c6bdf98b26757be96db5361974777.pdf
- Arabi, A., & Atashi, M. (2022). Women and the City: A Sociological Examination of the Sustainability of Women's Sense of Security in Haftkel City. *Continuity and Social Change*, 2, 347-362. http://jscc.yazd.ac.ir/article_2794.html
- Araya, A. A., Legesse, A. T., & Feleke, G. G. (2022). Women's safety and security in public transport in Mekelle, Tigray. *Case Studies on Transport Policy*, 10(4), 2443-2450. <https://doi.org/10.1016/j.cstp.2022.10.019>
- Azhari, T., Ghanbari Barzian, A., & Zahrani, D. (2023). Sources of Women's Sense of Social Security and the Factors Influencing It. *Studies of Women and Family*, 11(1), 73-107. https://jwfs.alzahra.ac.ir/.%20https://jwfs.alzahra.ac.ir/article_6920.html
- Azhari, T., Mirlohi, S. A., & Asadi, E. (2024). A Study of Factors Influencing Fear of Crime Among Iranian Citizens: A Review of Previous Research. *Social Sciences (Ferdowsi University of Mashhad)*, 21(4), 71-97. https://social.um.ac.ir/article_44687.html
- Contreras-Merino, A. M., Farhane Medina, N. Z., & Castillo Mayén, R. (2024). Unmasking street harassment in Spain: Prevalence, psychological impact, and the role of sexism in women's experiences. *Sex Roles*, 90, 1136-1153. <https://doi.org/10.1007/s11199-024-01500-2>
- Fahlbeck, H., Johansson, M., Hildingsson, I., & Larsson, B. (2022). 'A longing for a sense of security' - Women's experiences of continuity of midwifery care in rural Sweden: A qualitative study. *Sexual & Reproductive Healthcare*, 33, 100759. <https://doi.org/10.1016/j.srhc.2022.100759>
- Foroughzadeh, S., & Shariati Mazinani, S. (2022). Examining Women's Sense of Security in Public Spaces in Mashhad: Financial, Physical, and Ethical Dimensions. *Iranian Social Science Studies*, 18(3), 112-135. <https://www.sid.ir/paper/517606/>
- Fung, K. K., Hung, S. L., & Chan, Y. C. (2023). Working from the ground up: Women's safety in a community of sub-divided flats in Hong Kong. *Women's Studies International Forum*, 99, 102773. <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2023.102764>
- González-Serrano, A., Hervás, J. C., & Calabuig, F. (2025). The role of social media as a source of information and perception of public insecurity (WVS 2017-2022). *European Journal on Criminal Policy and Research*, [Advance online]. https://www.researchgate.net/publication/392128880_The_Role_of_Social_Media_as_a_Source_of_Informati_on_and_Perception_of_Insecurity
- González Moreno, M. J., Fernández Prados, J. S., & Cuenca-Piqueras, C. (2022). Fear for all women: European women's fear of harassment and aggression in public spaces. *Journal of interpersonal violence*, [Advance online]. <https://repositorio.ual.es/handle/10835/15148>
- Hale, C., Ceccato, V., & Hardyns, W. (2023). Environmental cues and women's fear of crime in shared micromobility spaces. *Journal of Environmental Psychology*, 86, 101987. <https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2023.101987>
- Harman, S., Herten-Crabb, A., Morgan, R., Smith, J., & Wenham, C. (2021). COVID-19 vaccines and women's security. *The lancet*, 397(10272), 357-358. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(20\)32727-6](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(20)32727-6)
- Iran-Nejad, M., & Mohammadi-Sadegh, S. (2023). Investigating the Impact of Mass Media Consumption on the Sense of Social Security Among Women: A Case Study of Iranshahr. *Strategic Studies of Humanities and Islamic Sciences*, 52, 533-540. <https://civilica.com/doc/1778654/>
- Ishengoma, N. M. (2024). We get affected too: Women's occupational safety and health hazards in the fish processing subsector in Tanzania demystified. *Heliyon*, 10(15), e34932. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e26259>
- Khajeh-Nouri, B., & Kaveh, M. (2013). A Study of the Relationship Between Media Consumption and the Sense of Social Security. *Cultural and Communication Studies*, 8(30), 55-77. https://ssoss.ui.ac.ir/article_17094.html
- Kiani Shahvandi, A., & Parsamehr, M. (2016). Investigating Sociological Factors Related to Fear of Crime in Urban Spaces Among Women in Tehran. In International Conference on New Horizons in Educational Sciences, Psychology, and Social Issues, <https://elmnet.ir/doc/20666266-72571>
- Manzouri, L., Seyed-Nezhad, M., Rajabi-Vasokolaei, G., Arabi, A., & Moardi-Joo, M. (2025). Factors affecting domestic violence against women in Iran: A scoping review. *BMC Women's Health*, 25(1), 231. <https://doi.org/10.1186/s12905-025-03770-8>

- Noorpoor, F. (2021). Presenting a Model of Antecedents of Women's Sense of Social Security: A Case Study of Girls and Women in Sari. *Sociological Research*, 15(3), 165-188. http://soc.journals.iau-garmsar.ac.ir/article_686918.html?lang=fa
- Ong, A. K. S., Arceno, T. W. O., Padagdag, A. R., Saragat, W. R. L. B., Zuñiga, H. R. M. S., & Gumasing, M. J. J. (2023). Antecedents of behavioral intentions for purchasing safety tools among women. *Heliyon*, 9(7), e17985. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2023.e17994>
- Ranjbar Hamghavandi, S., Afzali, K., & Rezaei, M. (2022). A Meta-Analysis on the Impact of Security on Women's Presence in Urban Green Spaces in Iran. *Urban Design Studies and Research*, 5(1), 13-22. <https://civilica.com/doc/1532291/>
- Rodríguez-García, M. C., Martos-López, I. M., Casas-López, G., Márquez-Hernández, V. V., Sato, K., & Howard-Payne, L. (2024). A thematic content analysis of views regarding sexual assault disclosure and the MeToo/WeToo movements for CALD Japanese women in Australia. *Women's Studies International Forum*, 104, 102898. <https://doi.org/10.1016/j.wsif.2024.102898>
- Safai-Nabat, H. (2023). Feelings of Insecurity in the Lived Experiences of Urban Marginalized Women: A Case Study of Marginalized Settlements in Southern Shahrriar County. *Quarterly Journal of Society, Culture, and Media*, 8(32), 135-160. https://www.jscm.ir/article_104385.html
- Sato, K., & Howard-Payne, L. (2024). A thematic content analysis of views regarding sexual assault disclosure and the# MeToo/WeToo movements for CALD Japanese women in Australia. *Women's Studies International Forum*, <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0277539524000360>
- Ueno, T., Saito, J., Murayama, H., Saito, M., Haseda, M., Kondo, K., & Kondo, N. (2024). Social participation and functional disability trajectories in the last three years of life: The Japan Gerontological Evaluation Study. *Archives of Gerontology and Geriatrics*, 119, 105361. <https://doi.org/10.1016/j.archger.2024.105361>
- Vázquez-González, L. I., & Ferrer-Pérez, V. A. (2025). Unveiling the Bystander's Role: A Qualitative Study on Interventions in Street Harassment Against Women. *Sexuality & Culture*, 1-30. <https://doi.org/10.1007/s12119-025-10380-x>
- Zeynali Aziz, A. (2024). Assessing Factors Influencing Women's Security Through Urban Space Design in the Informal Settlement of Khalilabad, Tabriz. *Interdisciplinary Studies in Iranian Architecture*, 3(5), 93-112. https://isia.usc.ac.ir/article_206456.html